

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۷، شماره ۱، بهار ۱۳۹۳، صفحات ۳۷-۵۳

بررسی و نظرسنجی درباره مؤلفه‌های توانمندسازی زنان روستایی و تبیین عوامل مؤثر بر آنها: مطالعه موردی روستاهای شهرستان اصفهان حمید برقی و یوسف قنبری*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۱/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۳/۱۲

چکیده

توانمندسازی زنان فرایندی پویاست که به زنان برای دستیابی بیشتر به منابع و نیز کنترل بر زندگی خود کمک می‌کند و زمینه‌های احساس استقلال و ایجاد عزت نفس بیشتر را در آنها پدید می‌آورد. هدف پژوهش حاضر بررسی عوامل مؤثر بر توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی بوده، نوع آن کاربردی و روش آن پیمایشی است. در پژوهش حاضر، با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی، ۲۶۰ نفر از زنان روستایی شهرستان اصفهان انتخاب شدند. در تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش تحلیل عاملی استفاده شد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که مهم‌ترین عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی همکاری در فعالیتهای اقتصادی، پیوندهای خانوادگی، و آگاهی اجتماعی بوده، که مقدار واریانس تجمعی تبیین‌شده از طریق این عوامل ۵۵/۸۰ است. مهم‌ترین موانع مؤثر بر توانمندسازی زنان نیز شامل مؤلفه‌های روانی-خصوصی، همکاری در فعالیتهای اقتصادی، کالبدی-ارتباطی، و فرهنگی-سازمانی بوده، که مقدار واریانس تجمعی تبیین‌شده از طریق این عوامل نیز ۵۱/۶۰ است.

کلیدواژه‌ها: توانمندسازی زنان / زنان روستایی / فعالیتهای اقتصادی / اقتصاد روستایی / اصفهان (شهرستان).

* به ترتیب، نویسنده مسئول و استادیار گروه جغرافیا دانشگاه اصفهان (h.barghi@geo.ui.ac.ir)، و استادیار گروه جغرافیا دانشگاه اصفهان.

مقدمه

به کارگیری توانایی‌ها و استعداد‌های زنان روستایی به قصد بهره‌گیری حداکثر از نیروی انسانی جوامع مستلزم شناخت دقیق و علمی فعالیت‌های آنهاست. از آنجا که در جوامع در حال گذار (کشورهای در حال توسعه) نزدیک به پنجاه درصد از جمعیت در مناطق روستایی سکونت دارند و نیمی از این جمعیت را نیز زنان تشکیل می‌دهند، یکی از راه‌های دستیابی بدین منابع نیروی انسانی مطالعه فعالیت‌های اقتصادی زنان روستایی در عرصه‌های گوناگون است. سهم زنان روستایی در نیروی انسانی نه فقط در فعالیت خانگی بلکه در فعالیت‌های تولیدی بیرون از خانه نیز اهمیت دارد. از آنجا که زنان روستایی هم در خانه و هم در خارج از خانه به فعالیت‌های تولیدی می‌پردازند و مازاد اقتصادی ایجاد می‌کنند، شایسته است که به‌طور دقیق، سهم آنها در اقتصاد خانوار تعیین شود.

در کشورهای در حال توسعه، زنان در اجتماعات روستایی نقش حیاتی ایفا می‌کنند؛ آنها انواع فعالیت‌های کشاورزی و دامداری را بر عهده دارند، درآمدهای اندک کسب می‌کنند، و در مشاغل با دستمزدهای ناچیز اشتغال دارند (Prorok and Chhokar, 1998). اما واقعیت این است که توانایی آنها به میزان بسیار کمتری ارزش‌گذاری شده و از توانایی‌های زنان روستایی برای ساختن بهتر زندگی، خانواده و اجتماع آنها به‌درستی استفاده نشده است (Koeing et al., 2003). از این‌رو، محققان و نظریه‌پردازان برای فهم عمیق‌تر سازوکارهای توانمندسازی زنان روستایی در زمینه‌های مختلف علمی به تحقیقات گسترده پرداخته‌اند (Alsop et al., 2005; United Nations Population Fund, 2007). توانمندسازی اقتصادی فرایندی چندبعدی و به‌هم‌پیوسته (Moyle et al., 2006) و تغییر در روابط قدرت (World Bank, 2000) تعریف شده که قادر است با گسترش انتخاب‌های فرد در زندگی (Kabeer, 1999)، مؤلفه‌های روان‌شناختی زنان، سلامتی و بهداشت زنان و خانواده‌های آنها (Gupta and Malhotra, 2006; United Nations Population Fund, 2007)، و نیز مؤلفه‌های اجتماعی-فرهنگی زنان و کنترل آنها بر منابع را بهبود دهد. فرایند توانمندسازی از سه مؤلفه به‌طور هم‌زمان تشکیل شده است: اول، منابع یا پیش‌شرط‌ها؛ دوم، عنصر عمل یا عاملیت؛ و سوم، نتایج (Allenderf and Yin, 2006). بر همین اساس، پیش‌شرط‌ها به دو قسمت منابع و زمینه توانمندسازی قابل تقسیم است. منابع

توانمندسازی عبارت‌اند از عوامل یا سرمایه‌هایی که توانایی زنان را در برابر تکانه‌های ناگهانی زندگی حفظ و توانمندی آنها را تسهیل می‌کنند، مانند مالکیت بر زمین (Agarwal, 1997)؛ زمینه توانمندسازی نیز عبارت است از خصوصیات محیط یا شرایط اجتماعی که یا توانمندی زنان را تسهیل می‌کند، مانند پس‌انداز گروهی پول، یا مانعی در برابر آن محسوب می‌شود، مانند سطح پایین سواد زنان (Allenderf and Yin, 2006). برای بهبود شرایط زندگی زنان در روستا، شناسایی عوامل زمینه‌ای مؤثر بر توانمندسازی اقتصادی آنها از مهم‌ترین موضوعاتی است که محققان توسعه بر آن تأکید می‌کنند (Alsop et al., 2005; United Nations Population Fund, 2007).

به‌طور کلی، توانمندسازی زنان فرایندی پویا و دربرگیرنده توانایی آنها برای تغییر ساختارها و عقایدی است که آنها را در موقعیت فرودستی (وابستگی) نگه داشته است. این فرایند که به زنان برای دستیابی بیشتر به منابع و کنترل بر زندگی کمک می‌کند، در آنها احساس استقلال و اعتماد به نفس بیشتر را موجب می‌شود و عزت نفس آنها را افزایش می‌دهد؛ به دیگر سخن، موجب بهبود تصویری می‌شود که زنان از خود دارند (Ugbomeh, 2001: 13). به گفته کبیر (Kabeer, 2001: 2)، توانمندسازی عبارت است از پیشرفت توانایی افراد در اتخاذ تصمیمات راهبردی زندگی که پیش‌تر از این توانایی محروم بوده‌اند.

سریلاتا باتلیوالا^(۱)، توانمندی زنان را این‌گونه تعریف می‌کند: توانایی زنان برای دستیابی به آگاهی و مهار نیروهای شخصی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی با هدف اقدام برای بهبود زندگی‌شان. توانمندسازی شامل طیفی از فعالیت‌هاست و از ابراز وجود گرفته تا مقاومت جمعی، اعتراض و تجمعاتی را دربرمی‌گیرد که روابط قدرت را به چالش می‌طلبند (Menon, 2003: 20).

شکوری و همکاران (۱۳۸۶)، با الهام از چارچوب مفهومی فقر و توانمندسازی، به بررسی عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار در قالب یکی از گروه‌های در معرض خطر در شهر تهران پرداخته‌اند؛ مطابق یافته‌های این پژوهشگران، این زنان سرپرست خانوار، علاوه بر تحصیلات و مهارت پایین و نداشتن فرصت‌های اشتغال، از توانمندی روانی و اجتماعی بالا نیز برخوردار نیستند و با وجود تلاش‌هایی که در قالب

طرح‌های حمایتی انجام شده، توانمندی آنها همچنان در سطح پایین است. شهریاری (۱۳۸۷) موانع موجود بر سر راه توانمندسازی زنان را به سه بخش تقسیم می‌کند: موانع فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی که بنا به پیشنهاد وی، با حمایت خانواده و در دسترس بودن پیشخوانه مالی و اطلاع‌رسانی به موقع درباره برپایی کلاس‌های آموزشی که باعث تقویت خودباوری زنان می‌شود، می‌توان بر توانایی‌های آنها افزود.

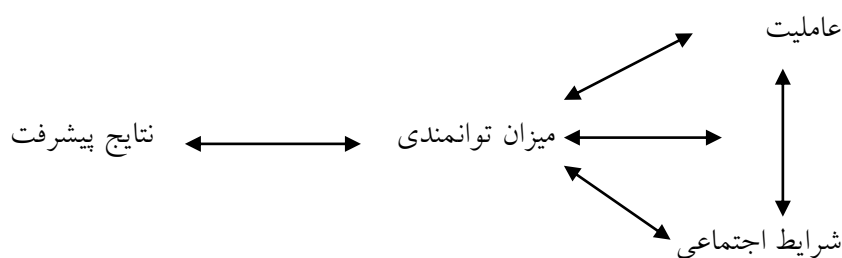
کبیر (Kabeer, 1999)، در پژوهشی با عنوان «نوع اشتغال زنان، میزان بیکاری و میزان اختیار زنان روستایی بر کار و فعالیت خود»، بدین نتیجه رسیده است که زنان بیش از مردان گرفتار بیکاری‌اند و در واقع، جزو آن دسته از اعضای خانواده‌اند که به‌خاطر کار در مزارع دستمزدی دریافت نمی‌کنند. وی، در این وضعیت، اقدام اساسی را افزایش اختیارات زنان روستایی می‌داند تا بر منابع و تصمیماتی که بر زندگی آنها تأثیرگذار است، احاطه داشته باشند.

با توجه به آنچه گفته شد و همچنین، با توجه به حدود یک دهه تأکید بر رویکرد توانمندسازی در ایران (شکوری و همکاران، ۱۳۸۶) و نیز اتخاذ سیاست‌های مربوط به رهیافت توانمندسازی زنان روستایی در برنامه‌های توسعه (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۲)، هدف از تحقیق حاضر شناسایی عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی است که با بهره‌گیری از یافته‌های پژوهش میدانی و روش‌های آماری، این عوامل شناسایی و راهکارهای مناسب در این زمینه ارائه خواهد شد.

چارچوب نظری

طبق تعریف بانک جهانی، توانمندسازی عبارت است از بالا بردن توانایی افراد و گروه‌ها برای تصمیم‌گیری و انتقال این تصمیمات به فعالیت‌ها و نتایج دلخواه. اگر شخص یا گروهی توانمند شده باشد، از توانایی تصمیم‌گیری مؤثر برخوردار است؛ بدین معنی که تصمیمات خود را به فعالیت‌ها و نتایج دلخواه انتقال می‌دهد. به باور گروه توانمندسازی بانک جهانی، میزان توانمندسازی قابل اندازه‌گیری است. شکل ۱ نشان می‌دهد که توانایی تصمیم‌گیری مؤثر ابتدا از دو عامل تأثیر می‌پذیرد: عاملیت و شرایط اجتماعی. بنا به تعریف، عاملیت عبارت است از توانایی کنشگر برای گرفتن تصمیمات

بامعنا و به دیگر سخن، کنشگر برای مواجهه با گزینه‌های مختلف و تصمیم‌گیری توانمند است؛ همچنین، شرایط اجتماعی عبارت است از زمینه‌هایی رسمی و غیررسمی که کنشگر در آن فعالیت می‌کند. این عوامل وقتی با هم به کار بیفتند، بر میزان توانمندسازی می‌افزایند (Alsop and Heinsohn, 2005: 6).



مأخذ: Alsop and Heinsohn, 2005

شکل ۱- عوامل مؤثر بر میزان توانمندی

در واقع، «شرایط اجتماعی» حوزه‌های تجلی قدرت است که السوپ و هایسنس (Alsop and Heinsohn, 2005) به صورت زیر آن را تقسیم‌بندی کرده‌اند:

- ۱- دولت که در آن، شخص یک کنشگر مدنی است.
 - ۲- بازار که در آن، شخص یک کنشگر اقتصادی است.
 - ۳- جامعه که در آن، شخص یک کنشگر اجتماعی است.
- این سه حوزه به هشت زیرحوزه تقسیم شده است:
- حوزه دولت شامل زیرحوزه‌های عدالت، سیاست‌ها، و خدمات‌رسانی؛
 - حوزه بازار شامل زیرحوزه‌های اعتبار (پول)، کار، و کالاها (هم در تولید و هم در مصرف)؛ و
 - حوزه جامعه شامل زیرحوزه‌های خانواده و محله، که به فرصت‌هایی برای کندوکاو در روابط خانواده و محله مربوط می‌شود.

بنابراین، الگوی نظری طراحی شده شامل دو گزینه تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری با عناوین عاملیت و شرایط اجتماعی است، همچنین، عاملیت به مثابه منابع بالقوه قدرت و شرایط اجتماعی به مثابه حوزه‌های تجلی قدرت در نظر گرفته شده‌اند.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر ماهیت، کمی و از نظر هدف، کاربردی بوده و جامعه آماری آن دربرگیرنده زنان (پانزده تا هفتاد ساله) ساکن روستاهای شهرستان اصفهان شامل ۸۴۳۷۱ نفر (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵) است. با توجه به نوع مطالعه و ابزار جمع‌آوری اطلاعات و همچنین، خصوصیات جامعه آماری، حجم نمونه با استفاده از معادله کوکران تعیین شده است ($n=260$).

ابزار جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های پژوهش پرسشنامه‌ای بود که در ۱۳۸۷، تهیه و روایی آن با استفاده از نظرات متخصصان و اساتید دانشگاه اصفهان تأیید شد. برای بررسی پایایی پرسشنامه نیز چهل نسخه از آن به‌طور تصادفی بین زنان روستایی توزیع شد و در نهایت، اعتبار آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۵ به‌دست آمد، که برای انجام پژوهش مناسب بوده است.

همچنین، در پژوهش حاضر، شیوه سنجش عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان از طریق نظرسنجی نتایج پرسشنامه تحلیل شده و به‌منظور کاهش تعداد متغیرهای تحقق به عوامل کمتر و تعیین سهم هر کدام از موانع و عوامل مؤثر در توانمندسازی اقتصادی زنان، از تحلیل عاملی استفاده شده است.

تحلیل عاملی یک روش آماری پیشرفته است که بین مجموعه‌ای از شاخص‌های به-ظاهر غیرمرتبط رابطه‌ای خاص در قالب یک الگوی فرضی برقرار می‌کند (Sharma, 1996) و به دیگر سخن، یک روش چندمتغیره آماری است که سعی دارد الگوی همبستگی موجود در توزیع یک بردار مشاهده‌پذیر را بر حسب کمترین تعداد متغیرهای تصادفی مشاهده‌ناپذیر توجیه کند (Hair et al., 1998). یادآور می‌شود که برای انجام محاسبات تحقیق، از نرم‌افزار SPSS بهره‌گیری شده است.

نتایج و بحث

بر اساس نتایج بررسی ویژگی‌های فردی و اقتصادی نمونه مورد مطالعه، سن ۳۳ درصد از افراد مورد مطالعه از ۲۱ تا ۳۵ سال، ۳۳ درصد دیگر از ۳۵ تا ۴۵ سال و ۳۴ درصد هم از ۴۶ تا ۵۸ سال بوده و میانگین سنی جامعه مورد بررسی نیز چهل سال است؛ در

زمینه تحصیلات، حدود ۲۱ درصد از پاسخ‌گویان بی‌سواد بوده و سطح تحصیلات حدود چهل درصد ابتدایی یا نهضت سوادآموزی، بیست درصد در حد راهنمایی و هفده درصد نیز در حد دیپلم است و بدین ترتیب، حدود ۶۱ درصد از زنان تحصیلات قابل توجه ندارند و بی‌سواد یا کم‌سواد به‌شمار می‌روند.

در تحقیق حاضر، بیست نوع فعالیت اقتصادی درآمدزا شناسایی شد که ۷۵ درصد جامعه مورد مطالعه بدان اشتغال داشته‌اند. تهیه فرآورده‌های لبنی، بافندگی (قالی‌بافی) و صنایع دستی، با درآمدزایی برای ۱۲۳ نفر، فراوان‌ترین مشاغل درآمدزا برای زنان محسوب می‌شوند. بررسی میزان درآمد ماهانه زنان روستایی از این مشاغل نشان داد که ۳۸ درصد از زنان کمتر از شصت هزار ریال، نوزده درصد بین شصت هزار تا ۱/۵ میلیون ریال، و ۴۳ درصد نیز بیش از ۱/۵ میلیون ریال درآمد در ماه کسب می‌کنند. در راستای تعیین میزان توانمندی اقتصادی زنان، مهارت‌های اقتصادی-تولیدی آنها نیز مورد بررسی قرار گرفت. فرآوری محصولات لبنی و باغی همراه با سبزی‌کاری، به ترتیب، سه مهارتی است که بیشتر زنان جامعه آماری از توانایی انجام آن برخوردارند؛ همچنین، پرورش زنبور عسل، پرورش قارچ، و کار با رایانه از جمله کارهایی است که زنان برای انجام آن کمترین مهارت را دارند. بر اساس بررسی نتایج پرسشنامه جامعه آماری، در مجموع، میزان مهارت‌های اقتصادی ۵۸/۲ درصد زنان کم، ۳۴/۴ درصد تا حدودی، و تنها هفت درصد بالا ارزیابی شده و همچنین، میزان توانمندی اقتصادی ۳۲/۲ درصد زنان در حد پایین، ۴۷/۷ درصد در حد متوسط، و ۱۹/۱ درصد باقی‌مانده در حد بالا بوده است.

شناسایی موانع و تسهیل‌کننده‌های توانمندسازی زنان

برای تعیین میزان اهمیت هر کدام از عوامل در قالب متغیرهای تاثیرگذار بر توانمندسازی اقتصادی، میانگین رتبه‌ای نظر زنان روستایی محاسبه و اولویت‌بندی شد. همان‌گونه که از جدول ۱ برمی‌آید، گویه‌های میزان خودباوری پایین، نبود فرصت‌های شغلی مناسب برای زنان در روستا، پایین بودن سطح سواد، نبود حمایت‌های قانونی، و عدم اعتماد متقابل به زنان در اولویت‌های اول تا پنجم موانع توانمندسازی قرار دارند.

جدول ۱- موانع توانمندسازی زنان روستایی

اولویت	گویه‌ها	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات
۱	میزان خودباوری پایین	۳/۷۰	۱/۵۶	۰/۴۲
۲	نبود فرصت‌های شغلی مناسب برای زنان در روستا	۴/۲۳	۱/۶۴	۰/۳۹
۳	پایین بودن سطح سواد	۴/۲۱	۱/۳۷	۰/۳۳
۴	نبود حمایت‌های قانونی	۴/۲۹	۱/۳۸	۰/۳۲
۵	عدم اعتماد متقابل به زنان	۳/۷۸	۱/۳۲	۰/۳۵
۶	نبود دسترسی و ارتباط مناسب روستا با اطراف	۲/۰۵	۱/۱۲	۰/۵۵
۷	زیاد بودن مشغله کاری داخل منزل	۴/۳۰	۱/۱۷	۰/۲۷
۸	پایین بودن مهارت‌های زنان	۴/۰۱۵	۱/۱۶	۰/۲۹
۹	جنسیت	۴/۳۶	۱/۳۸	۰/۳۲
۱۰	عدم توانایی صحبت کردن در جمع	۳/۹۶	۱/۴۲	۰/۳۶
۱۱	قبول نکردن مسئولیت از سوی زنان	۳/۴۹	۱/۳۰	۰/۳۷
۱۲	زندگی در روستا	۴/۰۰	۱/۵۷	۰/۳۹
۱۳	نداشتن انگیزه برای کار	۳/۲۹	۱/۴۵	۰/۴۴
۱۴	در دسترس نبودن بازار فروش محصولات	۳/۱۶	۱/۴۸	۰/۴۷
۱۵	زیاد بودن مشغله کاری خارج از منزل	۲/۳۷	۱/۲۰	۰/۵۱
۱۶	عدم نیاز خانواده به درآمد زنان	۲/۰۴	۱/۰۷	۰/۵۲

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در جدول ۲، عوامل تسهیل‌کننده توانمندسازی زنان روستایی اولویت‌بندی شده است. بر اساس یافته‌های این جدول، رضایت زن از شوهر، احترام گذاشتن به زن در خانواده، فرزند کمتر، رضایت زن از خانواده شوهر، و عضویت در یکی از سازمان‌های دولتی از جمله بالاترین اولویت‌ها در تسهیل توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی به‌شمار می‌روند.

جدول ۲- عوامل مؤثر در تسهیل توانمندسازی زنان روستایی

اولویت	گویه‌ها	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات
۱	رضایت زن از شوهر	۵/۱۲	۰/۹۷	۰/۱۹
۲	احترام گذاشتن به زن در خانواده	۵/۰۸	۱/۰۱	۰/۲۰
۳	فرزند کمتر	۵/۱۰	۱/۱۳	۰/۲۲
۴	رضایت زن از خانواده شوهر	۵/۰۳	۱/۱۱	۰/۲۲
۵	عضویت در یکی از سازمان‌های دولتی	۴/۷۶	۱/۱۸	۰/۲۵
۶	آگاه بودن زنان از چگونگی کسب‌وکار در جامعه	۴/۵۳	۱/۱۵	۰/۲۵
۷	شرکت در کلاس‌های ترویجی- آموزشی	۳/۸۹	۱/۳۴	۰/۳۵
۸	انجام فعالیت‌های درآمدزای گروهی	۳/۵۴	۱/۴۱	۰/۴۰
۹	تلاش به منظور افزایش مهارت‌های تولیدی دیگران	۳/۲۰	۱/۴۰	۰/۴۴
۱۰	شرکت در کارهای عام‌المنفعه	۳/۰۱	۱/۳۲	۰/۴۴
۱۱	عدم انتظار دریافت کمک از دولت	۳/۳۳	۱/۴۹	۰/۴۵
۱۲	پس‌انداز جمعی پول	۳/۲۸	۱/۴۶	۰/۴۵
۱۳	عضویت در تعاونی تولیدی	۳/۲۷	۱/۵۵	۰/۴۷

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج تحلیل عاملی

برای کاستن از تعداد متغیرهای تحقیق به عوامل کمتر و تعیین سهم هر کدام از موانع و عوامل مؤثر بر توانمندسازی اقتصادی زنان، از تحلیل عاملی استفاده شد. بر اساس نتایج جدول ۳، انسجام درونی داده‌ها برای بهره‌گیری از شیوه تحلیل عاملی عوامل بازدارنده ($KMO=0/832$) و تسهیل‌کننده ($KMO=0/787$) مناسب و نیز آماره بارتلت برای هر دو موضوع در سطح یک درصد معنی‌دار است.

جدول ۳- مقدار شاخص KMO و آزمون بارتلت

معنی‌داری	آزمون بارتلت	KMO	تحلیل عاملی
۰/۰۰	۱۶۷۷/۷۶۲	۰/۷۸۷	عوامل بهبود توانمندی اقتصادی
۰/۰۰	۱۰۱۸۳۵۱	۰/۸۳۲	موانع مؤثر بر توانمندی اقتصادی

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در مطالعه حاضر، با توجه به شاخص کیسر-میر-آلکین (KMO)^(۲)، سه عامل دارای مقدار ویژه بالاتر از یک برای عوامل مؤثر و چهار عامل برای موانع توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی استخراج شد. پس از چرخش عاملی به روش وریماکس، متغیرهای بازدارنده و پیش‌برنده، به ترتیب، در سه و چهار عامل دسته‌بندی شده است.

استخراج موانع مؤثر بر توانمندسازی زنان

بر اساس نتایج تحلیل عاملی، چهار عامل استخراج شده در قالب موانع توانمندسازی زنان در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴- مقدار ویژه، درصد واریانس و درصد واریانس تجمعی عوامل استخراج شده

مربوط به موانع مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی

ردیف	عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد واریانس تجمعی
۱	اول	۵/۴۳۴	۲۷/۱۷۰	۲۷/۱۷۰
۲	دوم	۲/۲۲۵	۱۱/۲۷۳	۳۸/۴۴۳
۳	سوم	۱/۳۸۷	۶/۹۳۳	۴۵/۳۷۶
۴	چهارم	۱/۲۴۶	۶/۲۳۰	۵۱/۶۰۶

مأخذ: یافته‌های تحقیق

عامل اول: پنج متغیر تشکیل دهنده این عامل، به ترتیب مقدار بار عاملی (سهم متغیر در تشکیل عامل)، عبارت‌اند از: جنسیت، عدم توانایی اظهار نظر در جمع، میزان خودباوری پایین، مهارت‌های تولیدی-اقتصادی، و پایین بودن سطح سواد که با توجه به نوع این متغیرها، عامل «روانی-خصوصی» نامگذاری شده است. مقدار ویژه این عامل (۵/۴۳) بیش از عامل‌های دیگر بوده، بیش از ۲۷/۱۷ درصد از کل واریانس را تبیین می‌کند.

عامل دوم: سه متغیر عدم اعتماد متقابل زنان، قبول نکردن مسئولیت از سوی زنان، و نداشتن انگیزه برای کار عامل دوم را تشکیل داده‌اند. با توجه به ماهیت متغیرهای تأثیرگذار، این عامل «همکاری در فعالیت‌های اقتصادی» نامگذاری شده که با مقدار ویژه ۲/۲۲، در مجموع، ۱۱/۲۷ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند.

عامل سوم: نبود دسترسی و ارتباط مناسب با اطراف شهر و عدم دسترسی به بازار فروش محصولات متغیرهای تشکیل‌دهنده این عامل بوده‌اند که با توجه به ماهیت آنها، عامل «کالبدی و ارتباطی» نامگذاری شده است. این عامل با مقدار ویژه ۱/۳۸، ۶/۹۳ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند.

عامل چهارم: سه متغیر تشکیل‌دهنده این عامل، به ترتیب مقدار بار عاملی، عبارت‌اند از: نبود حمایت‌های قانونی، عدم اعتماد متقابل زنان، و نبود فرصت‌های شغلی مناسب برای زنان در روستا. این عامل «فرهنگی و سازمانی» نامگذاری شده است و با توجه به مقدار ویژه ۱/۲۴، ۶/۲۳ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند.

استخراج عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان

مطابق نتایج تحلیل عاملی، سه عامل استخراج‌شده در قالب عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی در جدول ۵ آمده و در ادامه نیز جزییات مربوط بیان شده است.

جدول ۵- مقدار ویژه، درصد واریانس و درصد واریانس تجمعی عوامل مؤثر بر توانمندسازی اقتصادی

ردیف	عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد واریانس تجمعی
۱	اول	۳/۸۷۱	۲۹/۷۷۴	۲۹/۷۷۴
۲	دوم	۲/۱۸۱	۱۶/۷۷۶	۴۶/۵۴۹
۳	سوم	۱/۲۱۳	۹/۳۲۹	۵۵/۸۷۹

مأخذ: یافته‌های تحقیق

عامل اول: متغیرهای تشکیل‌دهنده این عامل عبارت‌اند از عضویت در تعاونی‌های تولیدی، تلاش به‌منظور افزایش مهارت‌های تولیدی دیگران، پس‌انداز جمعی پول، شرکت در کارهای عام‌المنفعه، و انجام فعالیت‌های درآمدزای گروهی که با مقدار ویژه ۳/۸۷، ۲۹/۷۷ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کنند.

عامل دوم: رضایت زن از شوهر، رضایت زن از خانواده شوهر، و فرزند کمتر متغیرهای تشکیل‌دهنده این عامل بوده‌اند که با توجه به مقدار ویژه ۲/۱۸، ۱۶/۷۷ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کنند.

عامل سوم: متغیرهای تشکیل دهنده این عامل عبارت‌اند از آگاه بودن زنان از چگونگی کسب و کار در جامعه، عضویت در یکی از سازمان‌های دولتی، و شرکت در کلاس‌های ترویجی و آموزشی که با مقدار ویژه ۱/۲۱، ۹/۳۲ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کنند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

امروزه، موضوع توانمندسازی به‌ویژه توانمندسازی زنان در قالب یک مفهوم وارد فعالیت‌های توسعه‌ای کشورها شده است، به‌گونه‌ای که از اهداف توسعه ملل در هزاره سوم به‌شمار می‌رود (Alsop et al., 2005; United Nations Population Fund, 2007). با توجه به بعد اقتصادی، توانمندسازی ابزاری برای برنامه‌های فقرزدایی محسوب می‌شود (Hainard and Verschuur, 2001; Kessides, 2005; Mayoux, 2001).

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که میزان مهارت‌های اقتصادی ۵۸/۲ درصد زنان روستایی در حد پایین، ۳۴/۴ درصد تا حدودی، و تنها حدود هفت درصد آنها در حد بالاست. به‌طور کلی، با توجه به شاخص‌های مورد بررسی، میزان توانمندی اقتصادی ۳۲/۲ درصد زنان روستایی در حد پایین، ۴۷/۷ درصد در حد متوسط، و ۱۹/۱ درصد باقی‌مانده در حد بالاست. همچنین، در پژوهش حاضر، موانع و عوامل مؤثر بر توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی با استفاده از تحلیل عاملی شناسایی شده است. اولویت‌بندی عوامل بازدارنده نشان می‌دهد که پایین بودن سطح سواد، خودباوری پایین (Blumberg and Kenan, 2008)، پایین بودن مهارت‌های تولیدی-اقتصادی، و جنسیت (Bali Swain and Wallentin, 2007) در اولویت اول و نبود فرصت‌های شغلی مناسب برای زنان در روستا (Kessides, 2005) و نبود حمایت‌های قانونی در اولویت‌های بعدی قرار می‌گیرند. در مجموع، در مورد موانع مؤثر، چهار عامل استخراج شدند که عامل «روانی-خصوصی» با تبیین بیش از ۲۷/۱۷ درصد از واریانس کل اثربخش‌ترین و عامل «همکاری در فعالیت‌های اقتصادی» با تبیین ۱۱/۲۷ درصد در رتبه دوم و نیز عامل «کالبدی و ارتباطی» با تبیین ۶/۹۳ درصد و عامل «فرهنگی و سازمانی» با تبیین ۶/۲۳ درصد از واریانس کل در رتبه‌های بعدی قرار دارند. این چهار عامل، در مجموع، ۵۱/۶۱ درصد از موانع توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی را تبیین می‌کنند. در

ادامه، تحلیل عوامل مؤثر بر توانمندسازی اقتصادی زنان نشان می‌دهد که اولویت اول با عواملی مانند عضویت در تعاونی‌های تولیدی (Tesoriero, 2005 Bali Swain, 2007)، تلاش به منظور افزایش مهارت‌های تولیدی دیگران، پس‌انداز جمعی پول، شرکت در کارهای عام‌المنفعه، و انجام فعالیت‌های درآمدزای گروهی در اولویت‌های بعدی قرار دارند. به‌طور کلی، سه عامل مؤثر بر توانمندسازی اقتصادی استخراج شده که عامل اول «همکاری در فعالیت‌های اقتصادی» (Bali Swain, 2007; Bali Swain and Wallentin, 2007)، با تبیین بیش از ۲۹/۷۷ درصد از واریانس کل، اثربخش‌ترین عامل شناسایی شده است. عامل دوم «پیوندهای خانواده» (World Bank, 2000; Mayoux, 2001; Rabello, 2007) ۱۶/۷۷ درصد و عامل سوم «آگاهی اجتماعی» (Kabeer, 2005; Deshmukh-Ranadive, 2003) ۹/۳۲ درصد از واریانس کل را تبیین کرده‌اند. این سه عامل، در مجموع، ۵۵/۸۷ درصد از واریانس عوامل مؤثر بر توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی را تبیین می‌کنند.

بر اساس یافته‌های مطالعه حاضر، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- برگزاری کلاس‌های آموزشی برای افزایش میزان سواد زنان و بالا بردن شناخت آنها از نیازها و توانایی‌های خود؛
- آموزش حرفه‌ای برای توسعه دانش و مهارت‌های خاص مرتبط با فعالیت‌های متعدد اقتصادی؛
- ارتقای آگاهی اجتماعی زنان روستایی از طریق انجام برنامه‌های مختلف با هدف اطلاع‌رسانی به آنها؛
- توسعه برنامه‌های ترویجی در راستای ارتقای روحیه همکاری و تعاون بین زنان؛
- گسترش برنامه‌های ترویجی به منظور شناسایی نیازها، اولویت‌ها، تنگناها و فرصت‌هایی که زنان بتوانند علائق خود را در زندگی تعریف و انتخاب کنند و توانایی خود در رسیدن بدان را باور داشته باشند؛
- آموزش درباره چگونگی انجام پژوهش‌های محلی، تشکیل تعاونی‌ها و انجمن‌های محلی و مانند اینها برای زنان روستایی؛
- آموزش به منظور بهره‌مندی از دانش، مهارت و طرز تفکرات سودمند در زمینه بهبود کیفیت زندگی خانوادگی، مانند بهداشت و تغذیه؛

- تسهیل عضویت زنان در تعاونی‌های تولیدی و شوراهای اسلامی؛
- اجرای برنامه‌های سودآور در مناطق روستایی برای ایجاد انگیزه مشارکت در میان زنان روستایی؛
- ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب برای زنان در روستا و حمایت دولت از زنان کارآفرین؛
- ارتقای مهارت‌های تولیدی-اقتصادی زنان روستایی از طریق آموزش؛ و
- شرکت زنان در کارهای عام‌المنفعه و انجام فعالیت‌های درآمدزای گروهی به‌منظور ارتقای روحیه همکاری و تعاون و شوراهای اسلامی.

یادداشت‌ها

1. Srilatha Batliwala
2. Kaiser-Meyer-Olkin

منابع

- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۸۲)، *مستندات برنامه چهارم توسعه*. تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- شکوری، علی؛ رفعت‌جاه، مریم؛ و جعفری مهتاش، معصومه (۱۳۸۶)، «مؤلفه‌های توانمندی زنان و تبیین عوامل مؤثر بر آنها». *پژوهش زنان*، دوره ۵، شماره ۱.
- شهریاری، ام‌البنین (۱۳۸۷)، *بررسی راه‌های توانمندسازی زنان روستایی شهرستان‌های سیستان و بلوچستان و تأثیر آن بر کارآفرینی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیای انسانی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۵)، *سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان اصفهان*. تهران: مرکز آمار ایران.
- Agarwal, B. (1997), "Bargaining and gender relations: within and beyond the household". *Feminist Economics*, Vol. 2, No. 1, pp. 1-50.
- Alsop, R. and Heinsohn, N. (2005), "Measuring empowerment in practice: structuring analysis and framing indicators". *World Bank Policy Research Working Paper 3510*, Washington, DC.
- Alsop, R.; Bertelsen, M. F.; and Holland, J. (2006), *Empowerment in Practice from Analysis to Implementation*. Washington, DC: The World Bank.
- Allenderf, K. D. and Yin. W. (2006), "Female empowerment: impact of a commitment saving product in the Philippines". *Center Discussion*

- Paper No 949*, Economic Growth Center, Yale University, New Haven, New England
- Bali Swain, R. (2007), "Impacting women through microfinance dialogue". *Appui au Developpement Autonome*, Vol. 3, No. 37, pp. 61-82.
- Bali Swain, R. and Wallentin, Fan Y. (2007), "Does microfinance empower women?". *Evidence form Self Help Groups in India Working Paper 2007: 24*, Department of Economics, Uppsala University, Sweden.
- Blumberg R. L. and Kenan, Jr., R. (2008), "The consequences of women's economic empowerment vs. disempowerment: from the 'magic potion' for development to the 'four horsemen of the apocalypse'?". Submitted to UNESCO, Paris.
- Deshmukh-Ranadive, J. (2003), "Placing gender equity in the family centre stage: use of 'Kala Jatha' theatre". *Economic and Political Weekly*, Vol. 4, No. 2.
- Gupta, G. R. and Malhotra, A. (2006), *Empowering Women through Investments in Reproductive Health and Rights*. Prepared for the David and Lucile Packard Foundation Population Program Review Task Force. Washington, DC: International Center for Research on Women (ICRW).
- Hainard, F. and Verschuur, C. (2001), "Filling the urban policy breach: women's empowerment, grass-roots organizations and urban governance". *International Political Science Review*, Vol. 22, No. I, pp. 33-54.
- Hair, J. F. Jr.; Anderson, R. E.; Tatham, R. L.; and Black, W. C. (1998), *Multivariate Data Analysis*. Upper Saddle River, New Jersey: Prentice Hall.
- Kabeer, N. (2001), "Conflicts over credit: re-evaluating the empowerment potential of loans to women in rural Bangladesh". *World Development*, Vol. 29, No. 1, pp: 63-84.
- Kabeer, N. (2005), "Is microfinance a 'magic bullet' for women's empowerment? Analysis of findings". *South Asia Economic and Political Weekly*, Vol. 6, No. 3.

- Kabeer, N. (1999), "Resources, agency, and achievement: reflection on the measurement of women's empowerment". *Development and Change*, Vol. 30, No. 3, pp. 435-464.
- Kessides, C. (2005), *Contributions of Urban Development to Economic Growth and Poverty Reduction in Sub-Saharan Africa*. Washington, DC: World Bank.
- Koeing, A. M.; Saifuddin, A.; Bazle, H.; and Mozumder, K. (2003), "Women's status and domestic violence in rural Bangladesh individual and community level effects?". *Demography*, Vol. 40, No. 2.
- Mayoux, L. (2001), "Tackling the down Side: social capital, women's empowerment and micro-finance in Cameroon". *Development and Change*, Vol. 32, No. 4, pp: 435-464.
- Menon, Lakshmi N. (2003), *Organizing Strategies in Women's Health: an Information and Action Handbook*. Manila: Isis International.
- Moyle, T. L.; Dollard, M.; and Narayan, Biswas, S. (2006), "Personal and economic empowerment in rural Indian women: a Self-help group approach". *International Journal of Rural Management*, Vol. 2, No. 2, pp: 245-266.
- Prorok, C. V. and Chhokar, K. B. (1998), "Women and their work in Asia". *A Geography of Gender and Development*, Vol. 17, No. 2, NCGE Publication.
- Rabello, P. M. (2007), "Violence against women, family cohesion and drugs". *Revista Saude Publica*, Vol. 41, No. 6.
- Sharma, S. (1996), *Applied Multivariate Techniques*. New York: John Wiley Sons.
- Tesoriero, F. (2005), "Strengthening communities through women's self-help groups in south India". *Community Development Journal*, Vol. 41, No. 3, pp. 321-333.
- United Nations Population Fund (2007), "Women's economic empowerment: meeting the needs of impoverished women". *Workshop Report*, Cape Town, South Africa, 2006.

World Bank (2000), *Gender and Poverty in India*. Washington, DC: The World Bank.

Ugbomeh, George M. M. (2001), "Empowering women in agricultural education for sustainable rural development". *Community Development Journal*, Vol. 41, No. 4, pp. 289-302.

